

3. توسعه مفهوم رجال و نساء به غیر شوهران و همسران (مقدمه سوم)

گفته شد: در راستای استدلال به آیه برای منع تصدی زنان نسبت به پست‌های حساس و مشوب به ولایت، باید آیه را از حوزه خانواده به اعم از آن کشانید؛ چنان که برخی چنین کرده‌اند. این توسیع می‌تواند به یکی از چهار حالت ذیل باشد:

1. واژه «رجال» و «نساء» را مطلق گرفتن؛
2. تمسک به عموم تعلیل در آیه؛
3. بر فرض عدم همراهی نفس آیه برای این توسعه و ادعای ظهور آیه در گفتگو از خانواده و رجال را به معنای شوهران و نساء را به معنای زوجات گرفتن، باید به اولویت قطعی کار را تمام کرد؛ با این بیان که وقتی در امور خانه این مردان هستند که بر زنان قائم و محیط اند؛ به طریق اولی در غیر خانه هم این قیومت، تسلط و احاطه هست.¹
4. از طریق توسیع مستند به فهم عرف و مناسبات حکم و موضوع که مستند به اولویت قطعی عقلیه نیست.

به برخی از این راه‌ها اشاره دارد، کلام ذیل از مرحوم علامه طباطبایی:

«عموم هذه العلة (بما فضل الله) يعطى ان الحكم المبنى عليها، اعنى قوله: *الرجال قوامون على النساء* غير مقصور على الازواج بان يختص القوامية بالرجل على زوجته بل الحكم مجعول لقبيل الرجال على قبيل النساء في الجهات العامة التي ترتبط بها حياة القبيلين جميعاً فالجهات العامة الاجتماعية التي ترتبط بفضل الرجال كجهتي الحكومة و القضاء مثلا الذين يتوقف عليهما حياة المجتمع و إنما يقومان بالتعقل الذي هو في الرجال بالطبع أزيد منه في النساء و كذا الدفاع الحربي الذي يرتبط بالشدة و قوة التعقل كل ذلك مما يقوم به الرجال على النساء و على هذا فقولهم: الرجال قوامون على النساء ذو إطلاق تامّ و أما قوله بعد: فالصالحات قانتات الخ الظاهر في الاختصاص بما بين الرجل و زوجته على ما سيأتى فهو فرع من فروع هذا الحكم المطلق و جزئى من جزئياته مستخرج منه من غير ان يتقيد به اطلاقه».²

تتبعی در ارتباط با موضوع فوق بر اساس آیات قرآن

قرآن بر اساس المعجم المفهرس شش مرتبه از لفظ «بعل» برای شوهر استفاده کرده است که سه مرتبه آن در سوره مبارکه نور، آیه 31 است.

واژه «الرجال»، «رجالاً»، و «رجالکم» مجموعاً 26 مورد به کار رفته است که آیه مورد بحث یکی از آن هاست و در هیچکدام از آن‌ها (بدون محاسبه آیه مورد بحث که معنای آن محل گفتگو است) رجال به معنای شوهران نیامده است بلکه مراد جنس مرد است و در دو مورد «رجال» به معنی «پیاده‌گان» در مقابل «سواران» است.

¹ این اولین مستند به عقل ابزاری است.

² المیزان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 365 و 366.

واژه «زوج» و برخی مشتقات آن در قرآن زیاد به کار رفته است. در بسیاری از موارد به معنای زوجه است. در موردی (بقره : 232) به معنای شوهر آمده و به غیر این دو معنا (یعنی جفت) هم به کار رفته است.

کلمه «نساء» نزدیک به 60 مرتبه در قرآن به کار رفته است که در بسیاری از موارد به معنای «زوجات» آمده و گاه هم از آن اراده جنس زنان شده است.

بنابراین (بدون محاسبه این آیه) در قرآن استعمال رجال به معنای شوهران نداریم و استعمال نساء به معنای همسران بسیار داریم.

این تتبع ممکن است ادعای استعمال رجال را در آیه به معنای شوهران قدری در تنگنا قرار دهد. ضمناً در خود محیط خانه هم از جنس مرد فقط شوهران نیستند، گاه شخص دیگری حضور دارد مثل جد پدری در مسأله ولایت بر اطفال با نبود پدر و بودن مادر. و با توجه به این که نفقه بخشی از خانواده هم بر عهده اوست، دلیلی بر خروج آن از حوزه آیه نداریم.

تحقیق و بیان رأی مختار در دلالت یا عدم دلالت آیه بر مطلوب مستدل

نسبت به مقدمه اول (آیه در مقام انشا است) میتوان احتمال خبری بودن آیه را رد کرد و همسو با فهم مفسران و باحثان در اطراف آیه (تا آن جا که ما دیده ایم)، قائل شد که آیه کریمه مفاد انشایی دارد و اگر مفاد خبری هم دارد با طرح آن در قرآن و اقامه دلیل برای آن و ادامه گفتگو از آن، این تکوین مورد تایید قرار گرفته است.

بنابراین مقدمه اول از مقدمات سه گانه استدلال تمام است.

نسبت به مقدمه دوم می توان موضع انکار گرفت! به راستی با چه بیانی می توان گفت : «قَوَامٌ»³ به معنای «ولی» و صاحب اختیار در همه شئون (دقت کنید) است؛ امری که نه التزام فقهی بر وفاق آن است و نه بیانی مقنع از آن به عمل آمده است. آن چه از آیه استفاده می شود این است که تدبیر، مدیریت، محافظت از منافع، تکفل امر، بر عهده مردان (یا شوهران) است.

3. القوام : المتكفل بالامر. قام الرجل على المرأة : صانها و قام بشأنها. قد يجيء القيام بمعنى المحافظة و الإصلاح و منه قوله تعالى : * «الرجال قوامون على النساء».* و... (متخذ از متون متعدد لغت).